

شاهین شهر و سقز دو الگوی مبارزاتی در تقابل با حملات شیمیایی حکومت به مدارس

گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه بخش مستقیم در کانال جدید، صفحه ۳



کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۷۵

۲۸ فروردین ۱۴۰۲

۱۷ آوریل ۲۰۲۳



چهارشنبه ها منتشر میشود

جنبش دستمزد و انقلاب زن زندگی آزادی

کاظم نیکخواه، صفحه ۲

تجمع مردمی علیه حملات شیمیایی به مدارس در شاهین شهر

مرگ بر حکومت کودک کش، صفحه ۴

در دفاع از "منشور ۲۰ تشکل"، کاوه آزاد صفحه ۵

راهپیمایی و تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز، تجمع مشترک بازنشستگان و

کارگران نیشکر هفت تپه شوش، تجمع بازنشستگان فولاد البرز

زیر بارستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی، صفحه ۵

اعتصاب کارگران پتروپالایش پتروشیمی و پروژه گازی دهلران، تجمع پرستاران در سنج

و دو خبر دیگر صفحه ۷

حملات شیمیایی امروز به ۱۴ مدرسه، اعتصاب کارگران پتروشیمی سربندر و نامه سپیده

قلیان از زندان صفحه ۸

تجمعات بازنشستگان مخابرات، تامین اجتماعی، فولاد

ادامه حملات شیمیایی به مدارس و مردم خشمگین، صفحه ۱۰

شعاردهی های شبانه علیه حملات شیمیایی به مدارس و اخباری دیگر صفحه ۹

گزارش انقلاب زنانه از شب ۲۶ فروردین فراخوان روز بیحجابی سراسری

برگرفته از مدیای اجتماعی، صفحه ۱۲

اول مه باید صدای جامعه

را فریاد کند

یاشار سهندی، صفحه ۶

ادامه حملات شیمیایی به

مدارس و مقابله شدید مردم

صفحه ۷

۲۶ فروردین: روز

بیحجابی سراسری

صفحه ۱۱

اعتراضات پرستاران در

پنج استان

صفحه ۱۰

بی حجابی ها مقدمه

جنگی عظیم تر است

اصغر کریمی، صفحه ۱۲

از مدیای اجتماعی

صفحات ۸ و ۱۴-۱۲



جنبش دستمزد و انقلاب زن زندگی آزادی

کاظم نیکخواه

سال ۱۴۰۲ با اعتراضات و اعتصابات کارگران و بازنشستگان و پرستاران و تیماتوم معلمان شروع شده است. حرکت متحدانه کارگران هفت تپه و بازنشستگان در شوش یک چشمه از روندی که در راه است را به همگان نشان داد. اعتراضات و تجمعات همزمان و متحدانه بخشهای مختلف کارگران و بازنشستگان و معلمان را به همین شکل در سال جاری شاهد خواهیم بود و باید شاهد باشیم. راه دیگری جز این نیست.

افزایش قیمت دلار نزدیک به ۶۰ هزار تومان و جهش قیمتها و افت قدرت خرید همه مزدبگیران، با تعیین دستمزد نازل ۵ میلیونی توسط حکومت پاسخ گرفت و خشم همه بخشهای حقوق بگیر را صد بار بیشتر برانگیخت. با این دستمزد ناچیز قرار است سفره های همه این بخشهای کارگری خالی تر شود، گرسنگی عمیق تر شود، و محرومیت گزرنده تر و کشنده تر گردد. از آن طرف قرار است نجومی بگیران و نجومی خوران بازم پروار تر شوند و کاختایشان را از قبل بالا کشیدن معیشت کارگران بلند تر و با شکوه تر کنند و یکه تازی و حیف و میل کنند و برای فقر مردم شانه بالا بیندازند و بخندند. حکومت اسلامی حکومت این مفتخوران است. خود بخشی از اینهاست و گردانندگانش آخوندهای میلیاردر و زالو صفت هستند.

با این اوضاع روشن است که کارگر و معلم و بازنشسته نمیتواند ساکت بنشیند و شاهد خانه خرابی خود و هم طبقه ایهایش باشد. جنگ مدتهاست شروع شده است و باید جنگید. جنگ برای بقا. جنگ برای رفاه. جنگ برای عقب زدن تعرض سرمایه داران و حاکمین انگل و حریص. دیگر نمی پذیریم! دیگر تحمل نمیکنیم! کور خوانده اید! این سخن قلبی همه بخشهای کارگری است.

اعتراضات و تجمعات و اعتصابات همین یک ماه اخیر نشان میدهد که سال جاری سال داغی خواهد بود. سال پذیرفتن. سال کوتاه نیامدن. سال به کم رضایت ندادن.

اعتراضات و اعتصابات بر سر دستمزد و علیه فقر و برای رفاه اجتماعی، بر متن انقلاب زن زندگی آزادی به حرکت در آمده است. بخشی از این انقلاب است. میخواهد عذاب زندگی در زیر سلطه حکومت تاجر و چپاول و جنایت را برای همیشه پایان دهد و دنیای بهتر و جامعه بهتری را رقم بزند. اینجاست که بحث دستمزد و مبارزه علیه فقر و برای افزایش دستمزدها به این انقلاب گره میخورد و بخشی از این انقلاب زیبا و شورانگیزی است که شروع شده است و تا رسیدن به هدف متوقف نخواهد شد.

اوضاع جامعه ایران عمیقاً سیاسی است. همه چیز سیاسی است. رقص سیاسی است، بی حجایی سیاسی است، موزیک سیاسی است. و مبارزه برای دستمزد هم صدارت بیشتر سیاسی و بخشی از این انقلاب است.

زن زندگی آزادی، یعنی همین که تاجر و تبعیض و تحقیر زنان باید تماماً پایان یابد، و همچنین زندگی همگان باید از عذاب و فقر و محرومیت بطور کامل خلاص شود و امنیت و آزادی برای همه شهروندان به قانون جامعه تبدیل شود.

حرف کارگران اینست که اگر پول هست باید برای همه باشد. نه فقط برای سرکوبگران و ابدی حکومت و مفتخوران حاکم. حرف کارگران اینست که حقوق نماینده مجلس نباید بیشتر از کارگری باشد که در معدن و مراکز نفت و ماشین سازیها و بالای ساختمانها و جاهای دیگر خطر را به جان میخورد و کار میکند. دستمزد ۵ میلیونی کارگر و حقوق ۲۰۰ میلیونی نماینده مجلس قابل قبول نیست. آن دوره تمام شد. حرف کارگر اینست که اگر ما همه چیز را تولید میکنیم خود باید تصمیم گیرنده باشیم نه آنها که جز مفتخوری خاصیتی ندارند.

به طور خلاصه نکته اصلی اینست که بحث دستمزد و حقوق وقتی که از جانب کارگران و بازنشستگان و معلمان طرح میشود، بخشی از انقلابی است که میخواهد زندگی انسانی را به متن جامعه بیاورد. بحث فقط بر سر چند درصد بیشتر اضافه کردن دستمزد زیر خط فقر نیست، بلکه بر سر زدن زیر سیستمی است که اختیاردارانش ضد کارگر و ضد معلم و ضد بازنشسته و ضد زن و ضد انسان هستند. این یعنی اینکه مبارزات و تجمعات و اعتصابات علیه دستمزد ۵ میلیونی، بخشی از انقلاب زن زندگی آزادی است و در سال جاری در کنار خیزشهای خیابانی شاهد اعتصابات سراسری و متحدانه تمام بخشهای کارگران و معلمان و اعتراضات بازنشستگان خواهیم بود و انقلابی انسانی را تا تمام کردن کار باندهای مفتخور و بی خاصیت و متعجر حاکم پی خواهیم گرفت. انقلابی انسانی برای جامعه ای انسانی. این روند زیبایی است که شروع شده است و تا رسیدن به هدف ادامه خواهد یافت.

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

شاهین شهر و سقز دو الگوی مبارزاتی در تقابل با حملات شیمیایی حکومت به مدارس گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه پخش مستقیم در کانال جدید



بعلاوه همانطور که اشاره کردید امروز روز اعتراض سراسری بیحجاب بود. و مساله حجاب و حملات شیمیایی به مدارس کاملا به هم مربوط است. چون اینجا هم این مدارس دخترانه است که مورد تهاجم قرار میگیرد. بخاطر اینکه همین دختران، همین دهه هشتادی ها در انقلاب زن زندگی آزادی نقش آفرین بودند. زمین زدن حجاب و شکستن دیوار آپارتاید جنسی توسط مردم یعنی تداوم قدرتمند انقلاب. بله اعتصاب یک پاسخ محکم است و اعتصاب سراسری معلمان و دانش آموزان و بستن مدارس میتواند سرآغاز اعتصابات در تمام جامعه باشد. بخصوص همانطور که اشاره کردید الان می بینید که در مراکز نفتی چه ولوله ای از اعتراض است. همین امروز در مرکز نفتی در دهلران در اعتراض بودند. دور جدیدی از اعتراضات پرستاران آغاز شده است. فراخوان دادند که روز یکشنبه باهم تجمع خواهند داشت. اعتراضات مردم در شاهین شهر در چنین شرایطی از فضای اعتراض در کل جامعه است که روی داد و بسیار مهم است.

شیرین شمس: بسیاری از مخاطبین تلویزیون کانال جدید این سوال را می پرسند که چطور میشود که این اعتراضات و اعتصابات و مشخصا بر سر حمله شیمیایی به مدارس به صورت هماهنگ و هر روزه صورت بگیرد. بطور مثال در سقز، تهران، شاهین شهر، سنندج، شیراز و در همه شهرها بطور هماهنگ خانواده ها و دانش آموزان و مردم همانروز تجمع اعتراضی داشته باشند. و یا تجمع اعتراضی در یک روز مشخص ترتیب بدهند و مساله این باشد که این حملات شیمیایی به مدارس با اعتراضات هر روزه پاسخ بگیرد. چه اقدامات عملی ای در این زمینه میشود انجام داد؟ چه کسانی در این زمینه میتوانند سازماندهی کنند؟

شهلا دانشفر: ابزار این کار وجود دارد. معلمان نقش بسیار مهمی دارند و یکی از مشکل ترین بخشهای جامعه هستند. ما قدرت سازماندهی اعتراض و تجمع معلمان را دیدیم که توانستند در بیش از دویست شهر اعتراض سازمان دهند و قدرت بسیج اعتراضی اجتماعی بالایی دارند. در همین شانزدهم اسفند سال گذشته در اعتراض به همین حملات شیمیایی به مدارس دیدید که با چه حمایت وسیعی از سوی تشکلهای مختلف کارگری و اجتماعی و خانواده ها و مردم روبرو شدند. در سقز در همین اعتراضات اخیر انجمن صنفی معلمان فراخوان به اعتصاب داد و مردم حمایت کردند و مدارس تعطیل شد. بنابراین فراخوان من به شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و تمام کانون ها و تشکلهای صنفی معلمان است. آنها کانال های تلگرامی و گروههای مبارزاتی خود را دارند و میتوانند هماهنگ کننده

شیرین شمس: به نظر میرسد که اعتراض علیه حمله شیمیایی به مدارس دارد ابعاد گسترده و تازه ای به بخود میگیرد. شما تجمع اعتراضی امروز (۲۶ فروردین) در شاهین شهر را که از سوی خانواده های دانش آموزان و با حمایت مردمی در مقابل آموزش و پرورش برپا شد را چگونه ارزیابی میکنید و رابطه آن با اعتصابی که در شهر سقز و مشخصا با حملات شیمیایی حکومت به مدارس چه هست و فکر میکنید که از امروز به بعد چه اقدامات عملی ای را باید در این ابعاد تازه حملات شیمیایی به مدارس انجام داد؟

شهلا دانشفر: اتفاقی که ما امروز در شاهین شهر شاهدش بودیم در واقع دارد به همه مردم در تمام شهرها در برابر حملات جنایتکارانه حکومت به مدارس راه نشان میدهد. همانطور که در خبرها اشاره کردید این حملات سراسری است. در روز 22 فروردین دیدیم که دانش آموزان در 38 مدرسه هدف حملات شیمیایی حکومت قرار گرفتند و امروز در شش شهر و در مدارس مختلف. بنابراین باید در برابر این تهاجمات سراسری ایستاد. شاهین شهر در کنار سقز یک قدرتمندی مردمی در برابر حملات وحشیانه حکومت به مدارس بود. در سقز اعتصاب مدارس و بازار و تجمعات مردمی که در آن پرچم جمهوری اسلامی پایین کشیده شده را داشتیم که سه روز پی در پی بود و در شاهین شهر به خیابان آمدن جمعیت انبوه مردم، حضور بی حجاب زنان در تجمع، مقابله مردم با سرکوبگران و کف زدن مردم و فریاد شعارهای اعتراضی مرگ بر دیکتاتور، حکومت کودک کش نمیخواهیم، نمیخواهیم را داشتیم. این نشان میدهد که حملات شیمیایی حکومت به مدارس خود آتشی زده بر خشم و نفرت بیشتر مردم و به بستری برای تجمعات پرجمعیت مردمی علیه جمهوری اسلامی برای رهایی از شر این حکومت کودک کش و جنایتکار و وحشی تبدیل شده است. به نظر من این اعتراضات سراسری تر و گسترده تر خواهد شد و باید چنین بشود. باید سراسری و قدرتمند جلوی این جنایت ایستاد. باید مقابل آموزش و پرورش، مقابل مدارس و مقابل بیمارستانهایی که دانش آموزان آسیب دیده بستری شده اند در تمام شهرها به محل تجمعات اعتراضی خانواده ها و مردم تبدیل شود. در عین حال باهم تاکید میکنم که یک پاسخ قاطع و محکم به این سیاست جنایتکارانه حکومت اعتصاب است. همان پاسخی که مردم در شهر سقز دادند وقتی که چندین مدرسه این شهر هدف حملات شیمیایی حکومت قرار گرفت. و باید همین امروز در شهرهایی چون سنندج، تاکستان، قدس، ارومیه و اصفهان که در آنها دانش آموزان مورد هدف حملات شیمیایی قرار گرفته اند و در سراسر ایران مردم با همین قدرت و با قدرت اعتصاب سراسری مدارس و تجمعات بزرگ اعتراضی با این سیاست جنایتکارانه حکومت مقابله کنند. بدین ترتیب اعتصاب و تجمع در کنار همدیگر یعنی الگوی سقز و شاهین شهر در کنار یکدیگر، با فریاد شعارهای مرگ بر حکومت کودک کش، مرگ بر دیکتاتور یک پاسخ محکم به این وضعیت است. به این ترتیب است که میشود و باید جلوی این جنایت را گرفت. جان عزیزان ما در خطر است. وضعیت کاملا اضطراری است و نمیشود امروز و فردا کرد. دنیا را باید روی سرمان بگذاریم. این حکومت کودک کش باید در سطح جهان به انزوا کشیده شود و باید از همه مراجع بین امللی از جمله کنوانسیون جهانی حقوق کودک بیرون انداخته شود. ما باید با قدرت انقلابمان دولتها را وادار کنیم که در برابر ما مردم سر تعظیم فرود بیاورند. امروز در خارج کشور نیز باید با همین گفتمان صدای اعتراض مردم باشیم و تجمعات اعتراضی علیه حملات شیمیایی به مدارس از سوی فعالین حزب کمونیست کارگری در خارج کشور نیز در جریان است.



تجمع مردمی علیه حملات شیمیایی به مدارس در

شاهین شهر

مرگ بر حکومت کودک کش

حکومت منحوس ضد مردمی را برانگیخته است. باید علیه حملات شیمیایی به مدارس در سطح سراسری به پا خاست و همچون شاهین شهر در تمام شهرها در مقابل آموزش و پرورش و مدارس تجمع و اعتراض کرد. یک پاسخ محکم به این جنایت وحشیانه حکومت اعتصاب سراسری معلمان و دانش آموزان و تعطیلی مدارس و تجمعات اعتراضی گسترده است. مساله بر سر جان و زندگی کودکان ماست. نباید آنها را به مدرسه فرستاد. تا وقتی این حملات ادامه دارد باید به اعتصاب ادامه داد. حملات شیمیایی به مدارس آتشی دیگر بر خشم مردم برای ادامه انقلاب زن زندگی آزادی زده است. حکومت جنایتکار و کودک کش جمهوری اسلامی باید گورش را گم کند و برود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ فروردین ۱۴۰۲، ۱۵ آوریل ۲۰۲۳

امروز ۲۶ فروردین خانواده های دانش آموزان و مردم شهر شاهین شهر بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده در اعتراض به حملات شیمیایی حکومتیان به مدارس دخترانه مقابل اداره آموزش و پرورش این شهر تجمع کردند و شعار های ضد حکومتی سر دادند. نیروهای سرکوب بلافاصله در محل حاضر شده و با گاز اشک آور اقدام به متفرق کردن جمعیت کردند. اما مردم معترض در محل باقیمانده و با کف زدن و فریاد مرگ بر دیکتاتور و پیشرف، پیشرف و سردادن شعار ترسید، ترسید، ما همه با هم هستیم به تجمع اعتراضی خود ادامه دادند. تجمع کنندگان شعار میدادند: "حکومت کودک کش، نمیخوایم، نمیخوایم"، "مرگ بر دیکتاتور" و "هیز تویی هرزه تویی، زن آزاده منم". مردم شاهین شهر با این حرکت اعتراضی خود راه موثر مقابله با سیاست جنایتکارانه تروریسم شیمیایی حکومت علیه دانش آموزان را به نمایش گذاشتند و الگویی برای همه شهرها شدند.

بنا بر خبر دیگری امروز یکی از مدارس دخترانه در شهر قدس مورد حمله شیمیایی قرار گرفت و پس از آن دانش آموزان و خانواده هایشان دست به تجمع زده و شعارهای اعتراضی سر دادند.

حملات شیمیایی به مدارس یکی از شنیع ترین و جنایتکارانه ترین سیاستهای تروریستی حکومت آدمکش اسلامی است و خشم و نفرت همه مردم علیه این

شاهین شهر و سقز دو الگوی ...

از صفحه ۳



ادامه داشته باشد مدارس تعطیل است و دانش آموزان نباید به مدرسه بروند و خانواده ها نباید کودکان خود را به مدرسه بفرستند. در عین حال باید با تاکید بر پایان دادن به این جنایت و معرفی و محاکمه عاملین و آمرین این جنایت مقابل مدارس و آموزش و پرورش به محل تجمع معلمان، خانواده ها و همه مردم تبدیل شود. بعلاوه اینکه در همین تماس ها و اجماع کردن ها میان تشکلهای معلمان و دانش آموزان و دانشجویان میشود تدارک اعتراضات سراسری برای روزهای معینی را دید و فراخوانش را داد. همانطور که قبلا روز شانزدهم اسفند به عنوان روز اعتراض سراسری علیه تهاجمات جمهوری اسلامی به مدارس اعلام شد و پاسخ گرفت. بدین ترتیب میتوان کاری کرد که نه فقط حملات شیمیایی به مدارس عقب زده شود بلکه فضا را برای گسترده شدن اعتراضات در سطح جامعه بیشتر فراهم کند به انقلاب برای رهایی از شر این حکومت وحشی کودک کش رها شد.

چنین سطحی از اعتراض در سطح سراسری باشند. از سوی دیگر دانش آموزان به لحاظ سازماندهی به لحاظ فراخوان به اعتراضات سراسری در مقاطع مختلف نقش بسیار مهمی داشته اند و الان از همین طرق میتوانند در ارتباط با تشکلهای معلمان و همینطور دانشجویان که آنها نیز بعضا هدف همین حملات شیمیایی قرار گرفته اند و خود در عین حال بخش متشکلی هستند، در شکل گیری اعتصابات و تجمعات سراسری نقش داشته باشند. بنابراین پاسخ روشن است. این یک انقلاب سازمانیافته است و در برابر تعرضات حکومت باید از همین قدرت سازمانیافتگی سود جست و متحد و قدرتمند عمل کرد.

نباید یک لحظه تامل کرد. هر روز ما شاهد حملات جنایتکارانه شیمیایی به مدارس هستیم. ما قربانی داده ایم. نباید منتظر حمله دیگر و تهدید خطر بیشتری برای فرزندانمان باشیم و تاکید ما همانطور که اشاره کردم بر اعتصابات سراسری است. این پاسخ محکم، قاطع و مسئولانه در برابر این شرایط و در دفاع از فرزندانمان است. بعلاوه باید اصل بر این باشد که هر جا حمله و تعرضی شد فوراً خانواده و مردم با قدرت به میدان بیایند و صدای اعتراضشان را بلند کنند و اگر این چنین باشد بطور مثال امروز که در چندین شهر دانش آموزان مورد هدف حملات شیمیایی قرار گرفتند باید شاهد تجمعات بزرگ اعتراضی در همه آنها می بودیم و باید برای چنین واکنش اعتراضی ای در همه جا آماده بود.

بدین ترتیب بازهم تاکید میکنم که نقش محوری و تعیین کننده با معلمان است و همانطور که اعلام کرده اند دانش آموزان خط قرمز ماست، باید با قدرت جلو بیایند و اجازه ندهند این حمله جنایتکارانه ادامه یابد و مطمئن باشند که خانواده های دانش آموزان و همه مردم پشتیبان آنها خواهند بود. باید اعلام کرد که تا وقتی این حملات



اول مه باید صدای جامعه را فریاد کند

یاشار سهندی

اول مه اساساً به خاطر یک مطالبه صنفی ۸ ساعت کار "شکل گرفت. اما اول مه در ایران بسیار فراتر از اینست و در قطعنامه‌ها و بیانیه‌های این روز کارگران بطور واقعی در قامت صاحب جامعه بر سر رهایی از تمامی مصائب جامعه سرمایه داری و پرچمدار خواستهای کل جامعه ظاهر میشود. امسال نیز طبقه کارگر با منشور خواستهای حداقلی ای که با امضای بیست تشکل منتشر شده و بطور واقعی پلاتفرم اتحاد مبارزاتی مردم در انقلاب زن زندگی آزادی است، به استقبال روز جهانی کارگر میرود. روز جهانی کارگر را معمولاً در کشورهای جهان جشن میگیرند. اما در ایران فقط یک جشن کارگری نیست بلکه به خاطر حاکمیت یکی از وحشی‌ترین حکومت‌های سرمایه داری جهانی بیشتر رنگ اعتراض دارد و برگزاری آن خود یک عرصه مهم نبرد کارگران با حکومت بوده است. بدینگونه اول مه روز قدرتمایی طبقه کارگر در برابر سرمایه داری چپاولگر و جنایتکار حاکم است که در آن کارگران صدای رسای اعتراض کل جامعه هستند. و این از خودآگاهی جنبش کارگری حکایت دارد که بازتاب آنرا در بیانیه‌ها و قطعنامه کارگری شاهد هستیم. از جمله در بیانیه‌ها و قطعنامه‌های کارگری در طول تمام این سالها بر خواستهایی چون آزادی بی قید و شرط ایجاد تشکلهای مستقل، اعتصاب، اعتراض، راهپیمایی، تجمع، اندیشه و بیان، احزاب و مطبوعات. و پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات سیاسی، صنفی و مدنی، لغو مجازات اعدام و شلاق، لغو کلیه احکام صادره علیه فعالان کارگری، معلمان و دیگر جنبش‌های آزادی‌خواه و برابری طلب و آزادی بی قید و شرط همه کارگران، معلمان و فعالان سیاسی و اجتماعی در بند تأکید شده است. در آن‌ها همچنین بر برابری زن و مرد نه تنها در پرداخت دستمزدها بلکه در کلیه شئون اجتماعی تأکید شده است. بر هم سرنوشتی با کارگران افغانستانی و نیز بر بهبود زندگی همه مردم از جمله بر حق داشتن یک زندگی انسانی و برخورداری از بیمه‌های اجتماعی چون آموزش و درمان رایگان بعنوان حقوق مسلم همه مردم تأکید شده است.

روشن است که طبقه کارگر بعنوان یک شهروند جامعه و بعنوان طبقه ای که بیشترین نفع را در نابودی سیستم بردگی سرمایه داری دارد باید در قامت رها کننده کل جامعه ظاهر شود. بویژه در ایران که جنبش سرنگونی هر روز قدرتمندتر جلو آمده است و امروز انقلابی جریان دارد که دست به ریشه برده و شاهد تحولات اجتماعی و بنیان کنی هستیم و جنبش کارگری با گفتمانهای سالهاست در پیشاپیش جامعه حرکت کرده و نقش مهمی در کشیده شدن اوضاع به شرایط امروز را داشته است، امروز انتظار میرود که طبقه کارگر بیش از پیش صدای اعتراض کل جامعه باشد.

به عبارت روشنتر مطالبات صنفی بخشی از نبرد طبقه کارگر با سرمایه داری چپاولگر حاکم است. اما جنبش کارگری در ایران در روند حرکت رو به جلوی خود بیش از پیش به جلوی صحنه سیاسی جامعه پرتاب شده و این جنبش نشان داده است که "صدای جامعه" را شنیده است و میخواهد نه تنها پژواک این صدا باشد بلکه بلندگوی آن باشد، چرا که رهایی خود را در رهایی کل جامعه می‌یابد.

در چند ماه گذشته با انتشار منشور بیست تشکل از زبان برخی تشکلهای کارگری خطاب به جامعه جنبش کارگری بیش از هر زمانی حرفش را بیان کرده است. یکی از تشکلهایی که منشور فوق را تأیید کرده است، این چنین از خود و منشور و موقعیت جنبش کارگری در ایران دفاع می‌کند: "صدای مستقل کارگران فولاد" عمیقاً به شعار زن زندگی آزادی باور دارد... ما به آزادی زندانیان سیاسی، آزادی بیان، حق داشتن تشکل مستقل، به لغو اعدام، به برابری کامل زنان با مردان، به رفع تبعیض علیه رنگین

کمانی‌ها، به عدم دخالت مذهب در شئون مردم، به افزایش دستمزد، ایمنی کار و امنیت شغلی، به رفع تبعیض‌ها و ستم ملی و به هر آن چیزی که در آن منشور (منشور بیست تشکل) آمده باور و اعتقاد داریم. ما همواره کوشیده ایم به اندازه وسع مان نه فقط صدای کارگر فولاد بلکه صدای همه کارگران و بالاتر از آن صدای جامعه خود باشیم. بنابراین در این راه هر اقدام مشترکی که بتواند ما را با جنبش خودمان و جنبش‌های دیگر در پایان دادن به شرایط ضد انسانی موجود متحدتر کند از آن استقبال کرده و برای اقدام و کار مشترک و امضای مشترک به اجازه و نظر کسی نیاز نداریم."

نقل قول بالا بخشی از بیانیه "صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد" در دفاع از خود بعد از ایراد خرده‌گیران به امضای این جمع کارگری در پای منشور بیست تشکل است. و در آنجا تأکید میکنند: "ما منشوری را که با نام خودمان و نه هیچ نام دیگری و با تکیه بر همفکری و مشورت با جمع زیادی از همکاران امضا کرده ایم را خواست قلبی خود و تمام جامعه دیدیم." این بیانیه در تاریخ 28 بهمن ۱۴۰۱ صادر شده است و به شدت بر این پای می‌فشرد که تمام جامعه را در نظر دارند و میخواهند صدای جامعه باشد. یادآوری آن بدین خاطر است که تأکید کنیم در روز جهانی کارگر صدای جامعه ای باید شنیده شود که برای رهایی بپاخاسته و در بطن انقلاب جاری، "زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی" پیام شفاف و روشن اول مه به کل جامعه باشد.

با توجه به اینکه اول ماه امسال در هشتمین ماه انقلاب زن زندگی آزادی فرا میرسد، انقلابی که کل جامعه را متحول کرده است. انقلابی که با شعار زن زندگی آزادی سد محکمی در برابر ناسیونالیسم، مذهب و هویت‌های قومی ساخته و بر هویت انسانی تأکید میکند، انقلابی که با همین شعار صفوف راست را به هم ریخته و همه خواب و خیالهای آنها را برای مال خود کردن اعتراضات مردم به بن بست کشانده است، انقلابی که با همین شعار توجه جهانی را به خود جلب کرده است؛ باید صدایش در روز اول مه رساتر به گوش جامعه و تمام جهان برسد.

سالهاست کارگران در کف خیابان با شعار "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" به نوعی سوسیالیسم را فریاد می‌زنند و اکنون این شعار تبلور خود را در شعار زن زندگی آزادی پیدا کرده است. راست اگر این شعار را بر زبان جاری می‌سازد از فشار خیابان و انقلاب است. بهانه جوان منزله طلب از بیان آن اکراه دارند، و معتقدند که این شعار مانع شکل‌گیری اعتصابات، حتی اعتصابات مطالبه محور در پنج ماه اول شد! و بعد چنین نتیجه‌گیری میکنند: "کارگران از انقلاب زن زندگی آزادی استقبال نکردند (!)"

شعار زن زندگی آزادی که ایشان آنرا به حساب حقیر خود به مسئله حجاب به عنوان یک پوشش تقلیل میدهند و البته نه حجاب به عنوان پرچم آپارتاید جنسی که چماق سرکوب کل جامعه بوده، سمبل اعتراض مردم به کل بساط تبعیض و نابرابری، سرکوب و جنایت و چپاولگری حکومت سرمایه داری حاکم است. کارگران به دنبال آزادی نه برای داشتن "یک زندگی معمولی"، بلکه همچنانکه سالهاست در بیانیه‌های

اعتصاب کارگران پتروپالایش پتروشیمی و پروژه گازی دهلران، تجمع پرستاران در سندج و دو خبر دیگر

همچنین در این روز مراسم زادروز نیما نوری از جانب‌باختگان انقلاب در آرامستان بهشت علی اشتهارد کرج برگزار شد. نیما نوری، نوجوان ۱۸ ساله در تاریخ دوازدهم آبان ماه در چهلمین روز گرامیداشت حدیث نجفی که توسط حکومت به قتل رسیده بود، به ضرب گلوله جان خود را از دست داد. جنبش دادخواهی یک عرصه مهم جدال با حکومت اسلامی است. مردم با گرامیداشت یاد جانب‌باختگان انقلاب عزم خود را برای نابودی این حکومت آدمکش و تداوم انقلاب زن زندگی آزادی اعلام میکنند.

آخرین خبر حاکی از آزادی زینب زمان، فعال دفاع از حقوق زن با قید وثیقه از زندان اوین در تهران است. زینب زمان به صورت علنی از اعتراضات ماه‌های گذشته حمایت کرده بود. یک پیشروی مردم در انقلاب فشار آوردن به حکومت و آزادی شماری از بازداشت شدگان انقلاب و زندانیان سیاسی است. با قدرت انقلاب میتوان زندانها را گشود و همه زندانیان را آزاد کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ فروردین ۱۴۰۲، ۱۵ آوریل ۲۰۲۳

امروز ۲۶ فروردین کارگران شاغل در پتروپالایش پتروشیمی دهلران (دشت عباس) با خواست افزایش دستمزدها و مطالبه نوبت کاری ۲۰ روز کار ۱۰ روز استراحت دست از کار کشیدند. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت این کارگران علیرغم اعتراضاتی که داشتند و وعده های داده شده کماکان با نوبت کاری های ۲۴ روز کار و ۶ روز استراحت مجبورند کار کنند.

در این روز همچنین گروهی از کارگران شاغل در شرکت آی جی سی، پروژه گازی ان جی ال ۳۱۰۰ چشمه خوش دهلران در اعتراض به عدم دریافت حقوق بهمن و اسفند ماه سال گذشته و همچنین عیدی پایان سال، دست از کار کشیده و در کارگاه این شرکت تجمع کردند.

خبر دیگر مربوط به تجمع پرستاران و کادر درمانی استان کردستان در اعتراض به سطح نازل حقوقها، چگونگی تعرفه گذاریها، فشار سنگین کاری و شرایط دشوار شغلی شان مقابل استانداری در سندج است. پرستاران معترض شعار میدادند: "وعده وعید کافی، سفره ما خالیه".

در همین راستا قبلا نیز پرستاران در شهرهایی چون قزوین، اراک، بابل و تهران تجمعاتی داشته و دور جدیدی از اعتراضات در میان پرستاران شکل گرفته است.

ادامه حملات شیمیایی به مدارس و مقابله شدید مردم

پرورش تجمع کردند با فریاد شعارهای "صد سال جنایت، مرگ بر این ولایت"، "مرگ بر حکومت کودک کش"، "مرگ بر دیکتاتور" جواب حکومتیان را به سختی دادند و حماسه آفریدند. همچنین طومارهای اعتراضی بسیاری از سوی بخش های مختلف جامعه علیه این سیاست جنایتکارانه حکومت انتشار یافته است و در تبریز دانشجویان علوم پزشکی در پرفورمنسی، اعتراض خود را به حملات شیمیایی در مدارس اعلام کردند. همچنین طبق گزارشات پرشنگ رنجبری، مدیر دبیرستان دخترانه متوسطه معراج سقز در اعتراض به حملات شیمیایی به مدارس و همچنین عدم شناسایی عاملان این جنایت از سمت خود استعفاء داد. اعتصاب سراسری معلمان و دانش آموزان در تمام شهرها و تعطیلی مدارس و تجمعات و اعتراض و تظاهرات، پاسخ فوری برای نجات عزیزانمان است. با تجمع در مقابل مدارس و آموزش و پرورش در تمام شهرها باید کاری کرد که این اقدام جنایتکارانه حکومت برایش بسیار گران تمام شود و انقلابمان را گامی بزرگتر به جلو ببریم. مرگ بر حکومت کودک کش!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ فروردین ۱۴۰۲، ۱۲ آوریل ۲۰۲۳

امروز ۲۶ فروردین در چندین شهر دانش آموزان در مدارس مختلف هدف حملات شیمیایی قرار گرفته و دهها دانش آموز در هر کدام از این شهرها در اثر مسمومیت به بیمارستان انتقال پیدا کردند. از جمله در سندج در هنرستان فنی دخترانه خدیجه کبری و دبیرستان دخترانه شرافت در محله چهار دیوار این شهر، دانش آموزان مورد حملات شیمیایی حکومتیان قرار گرفته و ده ها تن از دانش آموزان این دو دبیرستان به دلیل استنشاق گازی با بوی پرتقال گندیده دچار تنگی نفس، آبریزش بینی و چشم و حالت تهوع شدند. طبق خبرها دست کم ۱۵ تن از دانش آموزان به دلیل وخامت حال به بیمارستان توحید منتقل شدند که اسامی آنها عبارتند از: آسو مرادی، مهنا گلی، هلن بهمنی، شیلا محمدی، اسرا صفایی، سارینا رستمی، سارینا نجفی، زریان احمدی، الینا محمدی، نارین فتاحی، نازنین مجیدیان، آذین صادقی، سوگند صادقی، زهرا پاکدل، زریان سبحانی

علاوه بر سندج امروز دانش آموزان در تاکستان قزوین در دبیرستان دخترانه یاس نبی، در ایذه در مدرسه پروین اعتصامی، در مهاباد در مدرسه دخترانه شافعی و مدرسه دخترانه روستای بالانج از توابع بخش مرکزی ارومیه مورد حملات شیمیایی حکومتیان قرار گرفتند. حال تعدادی از دانش آموزان مسموم شده وخیم گزارش شده است.

بنا بر خبر دیگری که قبلا گزارش کردیم امروز یکی از مدارس دخترانه در شهر قدس مورد حمله شیمیایی قرار گرفت و پس از آن دانش آموزان و خانواده هایشان دست به تجمع زده و شعارهای اعتراضی سر دادند. قبلا نیز در ۲۲ فروردین دانش آموزان در ۲۸ مدرسه در یازده شهر تبریز، ارومیه، اشنویه، شاهین شهر، اصفهان، کرج، گناوه، تهران، زنجان، کامیاران، کرمانشاه، بروجرد، مورد حمله شیمیایی قرار گرفتند و تنها در شهر شاهین شهر این حملات در یازده مدرسه انجام گرفت.

گسترده‌گی این حملات و این تروریسم حکومتی، پاسخ سراسری و قاطع ما مردم را می طلبد. همان پاسخی که مردم در شهر سقز دادند و با اعتصاب عمومی خود محکم در برابر این اقدام جنایتکارانه حکومتیان ایستادند و پرچم جمهوری اسلامی را پایین کشیدند باید به الگویی در سراسر کشور تبدیل شود. اعتراضات وسیع است. امروز در شهر شاهین شهر نیز خانواده های دانش آموزان در همراهی با مردم مقابل آموزش و

از صفحه ۶

اول مه باید صدای ...

و قطعنامه های و بنرهای خود تاکید کردند: "زندگی نمی کنیم که کار کنیم، کار می کنیم که زندگی کنیم"، خواستار زندگی در خور شان انسان قرن بیست و یکمی هستند و برای داشتن این زندگی، کل آزادی و برابری را بدون هیچ اما و آگری خواستار بودند و هستند.

در بطن همین سابقه مبارزاتی و در متن انقلاب جاری در اول ماه مه امسال شعار محوری کارگران باید "زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی" باشد تا به کل جامعه ثابت کنند صدای آنها هستند، تا جامعه نیز راهی خود را در راهی کارگران بیابد.



متن سخنرانی زندانی سیاسی سابق فعال کارگری و حقوق کودکان بهنام ابراهیم زاده در اکسیون اول اپریل کلن

بنام ژینا

بنام نیکا، سارینا، کومارها و میلان‌ها...
خوش آمد میگویم به همه شما عزیزان

۱. انقلاب زن، زندگی، آزادی انقلابی است که نماد آن ژیناست و یک خصیصه مهم آن زنانه بودن آن است و این نشانی از وجود جنبش قدرتمند رهایی زن است که مستقیماً بساط آپارتاید جنسی حاکم را به چالش میکشد. ژینا رمز اتحاد و همبستگی برای بزرگداشتن حاکمیتی است که بیش از چهل سال است زندان و شکنجه میکند، اعدام میکند، به صورت زنان اسید می پاشد، به دانش آموزان حمله شیمیایی میکند و ناپدیدسازی قهری میکند.

۲-انقلاب ما، انقلاب ژینا جهانشمول است، جهان صدای این انقلاب را شنیده است و ما هم نباید بگذاریم خون تمامی جانباختگان راه آزادی، از دهه ی شصت گرفته تا جانباختگان انقلاب ژینا، خدانورها و نیکاهای، ساریناها، صادق فولاد و ندا ها و میلان ها پایمال شود.

از دل همین انقلاب، منشور حداقلی بیست و یک شکل بیرون آمده، منشور حداقلی دربرگیرنده ی مطالباتی است که مردم به پاخواسته ی ایران علیه جمهوری اسلامی و نظام حاکم و برای عملی شدن آن به میدان آمده اند.

مطالباتی که تحقق آنها در گرو سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است. از آزادی زندانیان سیاسی گرفته تا آزادی بی قید و شرط بیان و اندیشه و آزادی مطبوعات، تحزب و تشکل، و برابری زن و مرد. و به رسمیت شناختن جامعه رنگین کمانی ها، ال جی بی تی کیوها، محاکمه علنی آمرین و عاملین سرکوب و اعتراضات مردمی، امحای هر گونه ستم طبقاتی، ملی، قومی و زبانی. پایان دادن به تخریب های زیست محیطی و ممنوعیت کار کودکان و ایجاد رفاه همگانی. پیام این منشور روشن است که طبقه کارگر پتانسیل و امادگی عظیمی برای دخالت در سرنوشت جامعه و تعیین تکلیف با حاکمیت و جریانات راست را دارد.

منشور بیست و یک شکل و منشور زنان پیشرو در حالی منتشر شده که جامعه بشدت تحت ستم، فقر و فلاکت و استیصال حاکمیت اسلامی قرار دارد. این رژیم ضد بشری صدای هر ازادینخواهی را با مشت آهنین، زندان و شکنجه و اعدام پاسخ داده است و می دهد.

"اعضای این تشکلهای بسیار هزینه داده اند و همچنان هزینه میدهند. به بند کشیده شده اند، شکنجه شدند و یا در زندان جان خود را از دست داده اند."

منشور بیست و یک شکل جهانشمول است پرچمی است برای انقلاب ژینا. پرچم اتحاد صفوف مردم در انقلاب است. دهها تشکل و اتحادیه و سازمان و نهاد در داخل و خارج، منشور بیست و یک شکل را حمایت کرده اند.

این منشور خواسته های مختلف جامعه ی ایران و مطالبات اساسی و پایه ای آن را گرد هم آورده است و نمایندگی میکند.

اهمیت این دو منشور (منشور حداقلی و منشور زنان پیشرو) با خواسته های عمیق

حملات شیمیایی امروز به ۱۴ مدرسه، اعتصاب کارگران پتروشیمی سربندر و نامه سپیده قلیان از زندادان

بر اساس گزارشات تا کنونی امروز ۲۲ فروردین چهارده مدرسه مورد هدف حملات گازی و شیمیایی قرارگرفته و در جریان آن دهها دانش آموز دختر مسموم شده اند.

ادامه این جنایات همه ما مردم را به اعتراضی گسترده در دفاع از کودکان فرا میخواند. جان فرزندان ما مردم در خطر جدی است. باید اعلام کرد که تا وقتی این حملات حتی در یک تک مدرسه انجام میشود، مدارس را تعطیل میکنیم. باید آمرین و عاملین این جنایت به مردم معرفی و محاکمه شوند. از معلمان انتظار می رود که این بار نیز پیشواز اعتراضی سراسر در حلقه همبستگی و حمایت مردمی علیه حملات جنایتکارانه حکومتیان به مدارس باشد. همچنین خانواده ها باید جلوی مدارس و بیمارستانهایی که فرزندانشان در آنجا بستر هستند را به محل تجمع و اعتراض خود تبدیل کنند. برای نجات دختران دانش آموز باید تمام جامعه به پا خیزد و به جهانیان فشار بیاوریم که این حکومت ضد انسانی را بایکوت کنند و به عنوان یک واکنش فوری از کنوانسیون جهانی حقوق کودک بیرون انداخته شود.

- بنا به یک گزارش دیگر امروز کارگران پروژه ای پیمانکاری کیوانی در پتروشیمی سلمان فارسی سربندر در اعتراض به مخالفت پیمانکار با افزایش دستمزدها دست به اعتصاب زدند. این کارگران در این روز به نشانه اعتراض محل کارگاه را ترک کرده و اعلام کردند که مطالبه خود را متحدانه پیگیری خواهند کرد.

- آخرین خبر مربوط به اقدام شجاعانه سپیده قلیان این چهره شناخته شده سیاسی و دانشجوی زندانی است. او در روز سه شنبه ۲۲ فروردین در واکنش به سخنگوی قوه قضائیه مبنی بر اینکه بازداشت سپیده بدلیل "اهانت" بوده و پرونده وی به دادگاه تهران ارسال شده از درون زندان نوشت: "تا حکومت اعدام اسلامی بر سر کار است و کاشفان فروتن چشمه و معترضین به استبداد، گروگان حکومت اسلامی هستند، در هیچ دادگاهی شرکت نخواهد کرد." او نوشت که به "تجاوز" تهدید شده و گفته بود که هیچ مشروعیتی برای "دادگاه فرمایشی و نمایشی" جمهوری اسلامی که ریاست آن "حکم اعدام انقلابیون را امضا کرده" قائل نیست. این چنین است که مردم در ایران کل دستگاه قضاییه و مجازات های اسلامی و اعدام و سرکوب این حکومت را به چالش میکشند.

سپیده قلیان در تاریخ ۲۴ اسفند، تنها ساعاتی پس از آزادی از زندان اوین، در مسیر تهران به دزفول مورد حمله سرکوبگران قرار گرفته و بازداشت شد. او ابتدا به بند ۲۰۹ و شامگاه ۲۸ اسفند به بند زنان زندان اوین منتقل گردید.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ فروردین ۱۴۰۲، ۱۱ آوریل ۲۰۲۳



شعاردی‌های شبانه علیه حملات شیمیایی به مدارس و اخباری دیگر

جنایتکار باید گورش را گم کند و برود.
بنا به گزارشات امروز محمد قناتی از معلمان اراک و ژینا مدرس گرجی روزنامه نگار و فعال حقوق زن در سنندج برای دومین بار در چند ماه گذشته توسط نیروهای اداره اطلاعات ربوده شده و به مکان نامعلومی منتقل شدند. با اعتراضی سراسری برای جلوی آدم ربایی‌ها و سرکوبگری‌های حکومت را گرفت. جلوی زندانها و بازداشتگاههای حکومت باید تجمع کرد و برای آزادی بازداشت شدگان انقلاب و تمامی زندانیان سیاسی فشار آورد. جنبش برای آزادی بازداشت شدگان و تمام زندانیان سیاسی یک جنبش قدرتمند است. با فشارانقلاب دیوارهای زندانها شکاف برداشت و توانستیم حکومت را ناچار به آزاد کردن شمار زیادی از زندانیان در بند را نمایم. باید فشار آورد و سد محکمی در برابر دستگیری‌ها و سرکوبگریهای حکومت شد و همه بازداشت شدگان و زندانیان در بند را آزاد کرد.

آخرین خبر مربوط به حمله نیروهای سرکوب حکومت به تجمع و رقص و شادی مردم و جوانان در سی و سه پل اصفهان است. رقص مختلط زنان و مردان در خیابانها که در نوروز نیز در شهرهای بسیاری شاهدش بودیم یک شکل زیبایی از سرپیچی و اعتراض به بساط آپارتاید جنسی حکومت و زیر پا له کردن دیوارهای تفکیک جنسیتی توسط مردم و عقب زدن مزدوران گشت ارشاد حکومت است. زنده باد انقلاب زن، زندگی، آزادی.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ فروردین ۱۴۰۲، ۱۱ آوریل ۲۰۲۳

منشور ما کارگران و ما مردم همان منشور بیست تشکل است. و حرف ما در آن منشور اینست که می‌خواهیم بر صد سال بردگی و دیکتاتوری و استثمار و جنایت در ایران خاتمه دهیم و جامعه‌ای بسازیم شایسته انسان.
در پایان این نکته را هم یادآوری کنم نسبت به منشور حداقلی دوبرخور کاملاً متضاد وجود دارد یکی نقد نامنصفانه و تخریب،
و دیگری استقبال و حمایت بی دریغ، گرچه کافی نبوده نیست. باید حمایت بیشتری کرد باید کاری کرد احدی در صحنه سیاست ایران نتواند این منشور را دور بزند.
جمهوری اسلامی نابود باید گردد و شعار ما زن، زندگی، آزادی است.
برگرفته از مدیای اجتماعی

پتیشن برای اخراج نمایندگان جمهوری

اسلامی از سازمان جهانی کار

فری دم نو، پتیشنی را برای جمع آوری امضا آغاز کرده است. این پتیشن به اجلاس عمومی سازمان جهانی کار تسلیم خواهد شد. برای امضا، به لینک پتیشن در بارکد زیر و یا به سایت فری دم نو بروید.



WWW.free-them-now.com

شب گذشته ۲۱ فروردین شعاردی‌های شبانه در واکنش با حمله وحشیانه شیمیایی حکومت به مدارس گسترده تر شده و در تهران در محلاتی چون شهرک باقری، اکباتان، تهرانپارس و کارگر شمالی شعارهای ضدحکومتی بر فضای خیابانها طنین انداخت. مردم شعار میدادند: "مرگ بر حکومت دخترکش"، "مرگ بر خامنه ای"، "قسم به خون باران ایستاده ایم تا پایان"، "مرگ بر خامنه ای، لعنت بر خمینی!" و "مرگ بر دیکتاتور".

در شامگاه یکشنبه ۲۰ فروردین نیز مردم در محله شهرک کارمندان مهاباد در محکومیت حملات شیمیایی سریالی علیه دانش‌آموزان، و حمایت از خواسته دانش‌آموزان سقز برای بایکوت مدارس، دست به تظاهرات شبانه زدند و شعار دادند. یک کانون داغ اعتراض علیه حملات شیمیایی به مدارس، شهر سقز است. در این شهر به دنبال اعتصاب موفق روز گذشته و استقبال یکپارچه معلمان، دانش‌آموزان، و بازاریان از فراخوان اعتصاب، انجمن صنفی معلمان سقز و زیویه برای امروز سه شنبه ۲۲ فروردین نیز به اعتصاب عمومی و تعطیلی مدارس فراخوان داده اند. همچنین جوانان سنندج مردم کردستان را به اعتصاب سراسری فراخوانده اند. حزب کمونیست کارگری از فراخوان انجمن صنفی معلمان سقز و زیویه و جوانان انقلابی در سنندج حمایت و پشتیبانی میکند و بر همبستگی مردم در تمامی شهرهای کردستان و حمایت سراسری مردم ایران با این اعتراضات تاکید دارد. انتظار میرود که معلمان در سطح سراسری همچون معلمان در سقز برای نجات جان دانش‌آموزان به میدان بیایند و اعلام اعتصاب سراسری کنند. باید اعلام کرد که تا وقتی آمرین و عاملین حملات شیمیایی به مدارس به مردم معرفی و محاکمه نشوند، مدارس دخترانه و پسرانه همگی تعطیل خواهند بود. با اعتصاب سراسر در همه جا و تجمعات خانواده‌ها و مردم در مقابل مدارس و اشکال مختلف اعتراضی، سیاست جنایتکارانه حملات شیمیایی به مدارس را باید به شکست کامل کشاند و به ضد حکومت کودک کش تبدیل کرد. جمهوری اسلامی این حکومت کودک کش و

از صفحه ۹

متن سخنرانی ...

انسانی، پرچمی برای همه‌ی فعالین و بخش‌های دیگر جامعه است. بعلاوه پرچم انقلاب زن، زندگی، آزادی که نماد آن ژیناست.
این دو منشور یک پایه اجتماعی واقعی دارد و خواسته‌های اعلام شده آن همواره خود را در شعارهای اعتراضی خیابان و در انقلاب بازتاب داده است.
"اما در مقابل، منشور شش نفره، منشور مقابله با انقلاب است. منشور گذار از جمهوری اسلامی با حداقل تغییرات است. منشور شش نفره ای که توسط بازماندگان سلطنت و امثالهم منتشر شده سندی در مقابل ما کارگران و مردم تحت ستم و انقلاب زن، زندگی، آزادی است."

منشور زد و بند از بالا برای مهار انقلاب است و در آن هیچ یک از خواسته‌های بنیادین و حداقلی مردمی وجود ندارد. و همه تلاش آنها برای حفظ بوروکراسی و شکوفایی اقتصاد سرمایه داران مفتخور است. که تلاش میکنند از بالای سر مردم، قدرت سیاسی را دست به دست کنند. یک بند آن به ادغام نیروی سرکوب جمهوری اسلامی در ارتش برای "حفظ تمامیت ارضی" و سرکوب است.

از همین روست که چنین منشوری در میان مردم جا ندارد. در جایی مثل سیستان و بلوچستان مردم با شعار سلطنت ولایت، یکصد سال جنایت دارند پاسخ همین خیال پردازی‌ها را میدهند.



دولت به صندوق بازنشستگی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات از جمله خواسته‌های اعتراضی بازنشستگان است که در اعتراضاتشان بارها بر روی آنها تاکید کرده اند.

آخرین خبر مربوط به تداوم حملات شیمیایی توسط حکومتیان است. از جمله بنا بر خبرهای تا کنون امروز ۲۸ فروردین دانش آموزان مدرسه دخترانه نسیم در میدان کوهنورد شهر سنندج و چهار مدرسه هنرستان اندیشه، راهنمایی هفده شهریور، دبیرستان عصمت و خدیجه کبری در گیلان غرب مورد حمله شیمیایی قرار گرفته و دانش آموزان این مدرسه به مراکز درمانی منتقل شده‌اند. روز گذشته نیز از جمله دبیرستانهای دخترانه‌ی یاس نبی و رسالت در قزوین، دبیرستان دخترانه‌ی علی ناصری در هرسین کرمانشاه، دبیرستان دخترانه‌ی طراوت در ارومیه و دبیرستان دخترانه‌ی قاسم سلیمانی در کرج مورد حمله‌ی شیمیایی قرار گرفتند و تعدادی از دانش آموزان این مدارس در بیمارستان بستری شده‌اند. ادامه حملات شیمیایی بر خشم و نفرت مردم شدت داده است. تجمع بزرگ خانواده‌های دانش آموزان و مردم در شهر شاهین شهر در روز گذشته با فریاد‌های مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر حکومت کودک کش و قبل از آن اعتراضات سه روزه مردم در سقز با اعتصاب عمومی و تجمع و پایین کشیدن پرچم جمهوری اسلامی، به مردم در تمام شهرها راه نشان می‌دهد. با اعتصاب سراسری به نجات جان فرزندانمان در مدارس بشتابیم و با تجمعات اعتراضی بزرگ پاسخ محکمی به این سیاست جنایتکارانه حکومت بدهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ فروردین ۱۴۰۲، ۱۷ آوریل ۲۰۲۳

حکومت در بعضی بیمارستان‌های تهران در شیفت شب، ۳۵ بیمار به ۲ و حداکثر ۳ پرستار سپرده میشود. این خبر به روشنی از سنگینی کار طاقت فرسای پرستاران که خود نیز در معرض انواع بیماریهای مسری قرار دارند و نیز شرایط اسفبار بیمارستانها حکایت میکند و این موضوعی است مربوط به همه مردم. از خواستها و مبارزات پرستاران باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ فروردین ۱۴۰۲، ۱۷ آوریل ۲۰۲۳



عثمان اسماعیلی آزاد

روز ۲۸ فروردین عثمان اسماعیلی فعال کارگری در سقز پس از ۷۰ روز بازداشت با وثیقه یک میلیارد تومانی موقتاً آزاد شد... آزادی عثمان را به او، به خانواده و به همگان تبریک می‌گوییم. پرونده امنیتی عثمان اسماعیل زاده باید

بدون قیدو شرط مسدود شود.

تجمعات بازنشستگان مخابرات، تامین اجتماعی، فولاد

ادامه حملات شیمیایی به مدارس و مردم خشمگین

امروز دوشنبه ۲۸ فروردین بازنشستگان مخابرات در شهرهای چون کرمانشاه، اهواز، کرج، تهران، اردبیل، گلستان، زنجان، اصفهان و بجنورد در اعتراض به شرایط بد معیشتی و عدم اجرای خواسته‌هایشان مقابل ستاد مخابرات دست به تجمع زدند و با سردادن شعارهایشان و فریاد "گرانی، تورم، بلای جان مردم" پیگیر مطالباتشان شدند.

روز گذشته نیز بازنشستگان تامین اجتماعی در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری خواسته‌هایشان تجمع کردند و در شهرهایی چون شوش و اهواز با فریاد شعارهایشان دست به راهپیمایی زدند. این تجمعات در روز گذشته در شهرهایی چون بابل، شوش، اهواز، شوشتر، کرمانشاه، اصفهان، تبریز، برگزار شد. مصوبه مزدی شورای عالی کار همچنین یک موضوع اعتراض بازنشستگان است و بر محور این اعتراض روز گذشته بازنشستگان تامین اجتماعی همراه با کارگران نیشکر هفت تپه تجمع اعتراضی بزرگ و با شکوهی داشتند. و این میتواند الگویی در تمامی شهرها علیه این سرکوب مزدی حکومت باشد. در این اعتراضات بازنشستگان شعار میدادند: "حقوق ما ریالی، هزینه‌ها دلاریه"، "اجرای همسانسازی، بدون حقه بازی"، "گرانی تورم بلای جان مردم"، "صندوق خالی کردن ما رو بیچاره کردن"، "وعده وعید کافیه سفره‌ی ما خالیه".

در این روز همچنین بازنشستگان فولاد البرز غرب در ابهر نیز در اعتراض به گرانی و وضعیت اسفبار بیمه‌های درمان و عدم اجرای همسان سازی تجمع داشتند. خواسته‌های مشترکی اعتراضات بخش‌های مختلف بازنشستگان را به هم پیوند می‌دهد. اعتراض به فقر و گرانی سطح نازل حقوقها، دزدی‌ها و اختلاسها و وضع بد معیشتی محور مشترک اعتراضات همه آن و توده عظیم مردم است. اعتراض بازنشستگان به سطح نازل حقوقها و بی‌تامینی، دزدی‌ها و اختلاس‌ها و وضعیت بد معیشتی شان است. در همین راستا مصوبه مزدی شورای عالی کار که مبنایی برای سطح مستمری آنهاست یک موضوع اعتراض مهم آنهاست. همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای نرخ سید هزینه معیشتی که امروز ۳۰ میلیونی است، درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن، پایان دادن به اختلاس‌ها و پرداخت دیون

اعتراضات پرستاران در پنج استان

امروز پرستاران در پنج استان کشور از جمله در قزوین در اعتراض به تخلف دولت در پرداخت تعرفه پرستاری دست به تجمع و اعتراض زدند. در این اعتراضات پرستاری می‌گوید که به ازای ۱۹۷ ساعت کار موظف و ۱۵۵ ساعت اضافه‌کاری فقط یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان تعرفه خدمات پرستاری گرفته است! عدم پرداخت کامل تعرفه‌های پرستاری سطح نازل حقوقها و وضع بد معیشتی، فشار سنگین کاری و اضافه‌کاریهای فشرده و اجباری، سطح پایین بهداشت در بیمارستانها و اخراج‌ها و بلا تکلیف بودن وضع استخدامی پرستاران شرکتی از موضوعات اعتراضات پرستاران است. در این رابطه آنها تجمعات بسیاری داشته و از آغاز سال جدید دور جدیدی از اعتراضات آنها آغاز شده است. از جمله پرستاران در روز گذشته در قم تجمع داشتند. قبل از آن پرستاران در شهرهایی چون تهران، اراک، قزوین، سنندج، مشهد، شیراز، بابل تجمع داشتند.

علاوه بر تعرفه‌های پرستاری یک موضوع دیگر اعتراض بخش بسیاری از پرستاران اخراج‌هاست. بنا بر خبرها در دوره کرونا هفده هزار پرستار اخراج شده‌اند. به گفته حمید رضا عزیز معاون توسعه و مدیریت منابع سازمان نظام پرستاری

۲۶ فروردین: روز بیحجابی سراسری



میخوانند، بودیم. طبق گزارشات حکومت در شهرهای مختلف تحت همین عنوان اقدام به تعطیلی کافه و رستوران ها و پلمپ کردن مغازه ها کرده است. اما مردم در این مورد هم ساکت نیستند. جدالی سخت بین مردم و حکومت در جریان است. از جمله در آمل سه روز پیش در اعتراض به پلمپ کردن یک کافه توسط مامورین حکومتی، مردم بسیاری از زنان بیحجاب و مردان در مقابل کافه جمع شدند و با رقص مختلط خود جواب دندان شکنی به حکومت آپارتاید جنسی حاکم و حجاب اجباری دادند. مردم در پست های خود در مدیای اجتماعی نوشتند: "خیابانها را نمیتوانند پلمپ کنید".

مقابله با حجاب یک عرصه مهم جنگ مردم با حکومت اسلامی و انقلاب زن زندگی آزادی است. حجاب پرچم حکومت اسلام و به گفته خود حکومتیان خاکریز اولشان است که توسط مردم فتح شده است و امروز حکومت میکوشد این سنگر را باز پس بگیرد. اما مردم این سمبل تحقیر زنان و کل بساط آپارتاید جنسی حاکم را به چالش کشیده و جنگی سخت در خیابان و دانشگاه و در محل کار و همه جا جاریست. حکومت آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی را با کل قوانین ارتجاعی اسلامی و دستگاه سرکوب و جنایتش باید به زباله دان تاریخ سپرد. زنده باد انقلاب زن، زندگی، آزادی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ فروردین ۱۴۰۲، ۱۵ آوریل ۲۰۲۳

امروز ۲۶ فروردین روز اعتراض به طرح جدید حجاب حکومتی تحت عنوان طرح "تذکر لسانی" است. فراخوان اعتراض سراسری به این طرح از سوی شماری از تشکلهای و جمع های دانشجویی داده شده است. در پاسخ به این فراخوان دانشجویان دانشگاهها از جمله در امیرکبیر، پلی تکنیک و خوارزمی بدون حجاب در کلاسهای درس حاضر شدند. در جلوی درب ولیعصر پلی تکنیک نیز از صبح این روز نیروی سرکوب بسیاری مستقر شده و پوشش دختران دانشجو را کنترل میکردند و همزمان همین وضعیت در "درب سعید" دانشگاه با دانشجویان امیرکبیر برقرار بود.

همچنین در تصاویر منتشر شده در مدیای اجتماعی از تهران و رشت و دیگر شهرها زنانی را می بینیم که بی حجاب به خیابان آمده و با پیاده روی جمعی به این روز اعتراضی پیوسته اند. بعلاوه کلا نداشتن حجاب به پدیده ای اجتماعی تبدیل شده و بخش اعظم زنان حجاب ندارند و نداشتن حجاب یک شکل سراسری مبارزه علیه آپارتاید جنسی و حجاب اجباری و کلا حکومت اسلامی است.

در اعتراض به حجاب اجباری همچنین ۹۰ تن از فعالین مدنی، سیاسی، حقوق بشری و خانواده های دادخواه داخل کشور بیانیه ای داده اند. که در بخشی از آن چنین آمده است: "حماسه ای که در ماه های اخیر با شعار #زن_زندگی_آزادی آفریدید، در تاریخ مبارزات ایرانیان بر ضد استبداد مذهبی و دیکتاتوری، ماندگار، و سرنوشت ملت را بسوی آزادی و دموکراسی رهنمون گردید، این بار بجای هشدار به سران حکومت خودکامه ای که از دین ابزاری برای سرکوب آزادی ساخته است، شما ملت قهرمان ایران را مخاطب قرارداده، و با شما هم پیمان می شویم که در حفظ و پاسداری از آزادی در انتخاب پوشش و شادی عمومی که با ایثار خون و جان و تحمل زندان و شکنجه و اعدام بدست آمده، و اولین دستاورد ارزشمند #قیام_مهسا است، تا رسیدن به آزادی و دموکراسی تا پای جان بکوشیم... ما برای تحقق شعار "زن، زندگی، آزادی"، و رسیدن به جامعه ای آزاد و سالم و مرفه مبارزه خواهیم کرد، و در پاسخ به تهدیدات نیروهای سرکوبگر تاکید می کنیم که از صبح شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۲ در کنار بانوان ایرانی برای آزادی پوشش خواهیم بود، و پاسخ توهین به بانوان نیک سرشت ایرانی دفاع مشروع است، و عواقب آن به عهده رژیم می باشد. ضمنا از باورمندان گرامی حجاب می خواهیم؛ صف خود را از سرکوبگران جدا کنند، تا در ننگ و شرمساری حکومت شریک نشوند. زن، زندگی، آزادی".

در ادامه طرح جدید حجاب اجباری خیرها از پلمپ ۷ کافه و رستوران در سوادکوه به دلیل آنچه "رواج کشف حجاب و عدم رعایت شئونات اسلامی"

زندگی انسانی حق مسلم ماست

به حزب کمونیست کارگری

بپیوندید!

tamas.wpi@gmail.com

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

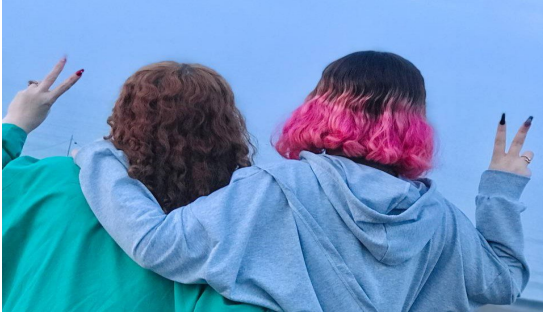
تلگرام: @sazmande

این شعار اعتراضات ما کارگران و معلمان است. این خواست قلبی همه ما مردم است. ما مصممیم انقلابمان را تا به زیر کشیدن کامل حکومت اسلامی سرمایه داران و آیت الله های مفت خور و رسیدن به اهداف انسانی مان تداوم بخشیم. ما انسانیم و حق بی چون و چرای خویش میدانیم در جامعه ای آزاد و مرفه و برابر زندگی کنیم. جامعه ای که انسان و پاسخگویی به نیازهای همه انسانها اساس آنست. جامعه ای که در آن مسکن و غذا و پوشاک و درمان و تحصیل با استاندارد قرن بیست و یکم حق تک تک شهروندان است. جامعه ای که در آن آزادی بی قید و شرط است، اندیشیدن بی قید و شرط است، ستم و استثمار و تبعیض علیه شهروندان تحت هر عنوانی ممنوع است. آینده از آن ماست.

زنده باد انقلاب انسانی برای يك جامعه انسانی

زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری ایران



برگرفته از مدیای اجتماعی

گزارش انقلاب زنانه از شب ۲۶ فروردین فراخوان روز بیحجابی سراسری

در برابر تهدید احمدرضا رادان از سوی نیروی انتظامی درباره برخورد جدی با بیحجابی از روز شب ۲۶ فروردین، شمار قابل توجهی از تشکلهای دانشجویی، برای همین روز فراخوان به اقداماتی علیه حجاب اجباری و طرح های حجاب و عفاف با سازماندهی تجمعات اعتراضی، پرفورمنس اعتراضی، تحصن و شعارنویسی و راهپیمایی بدون حجاب اعلام کردند.

انقلاب زنانه ضمن حمایت قاطعانه از فراخوان تشکلهای دانشجویی، با نامگذاری روز شب ۲۶ فروردین به روز "بی حجابی سراسری" از همه زنان، دانشجویان و دانش آموزان و عموم مردم دعوت کرد که با بیحجابی سراسری و اقدامات عملی، قدرت انقلاب زن زندگی آزادی را در برابر تهدیدهای جمهوری اسلامی را نشان دهند. انقلاب زنانه در این فراخوان تاکید کرد که بستر جامعه برای تجمعات و تظاهرات سراسری علیه حجاب و عفاف، و علیه جمهوری اسلامی آماده است و فراخوان ۲۶ فروردین یک گام بزرگ در این راستا است و لازم است به طور ویژه از این فرصت برای سازماندهی اجتماعی استفاده شود. شامگاه جمعه ۲۴ فروردین نیز از طرف جمعی از فعالان داخل کشور طوفان توییتری با هشتگ #برای_دیگه_ترسیدن اعلام شد که مورد استقبال انقلاب زنانه قرار گرفت و از عموم کاربران توییتر دعوت به همراهی با این طوفان توییتری برای نوشتن از بیحجابی سراسری، نوشتن از حق آزادی پوشش و تاثیرات انقلاب زن زندگی آزادی علیه حجاب و عفاف و علیه کلیت جمهوری اسلامی صورت گرفت.

از صبح روز شب ۲۶ فروردین در راستای پیوستن به این فراخوان معین، دانشجویان با اقداماتی متنوع در دانشگاهها از جمله بیحجابی و شعارنویسی، دست بکار شدند. زنان به صورت فردی و گروهی در شهرهای مختلف سراسر کشور، اقدام به پیاده روی بدون حجاب و اقدامات و ابتکارات متنوع دیگر و تصویر گرفتن از آنها کردند و با انتشار عامدانه و در ابعادی وسیع از این تصاویر در شبکه های اجتماعی، نوشتند "از شب" روند به همین منوال خواهد بود و طرح های حجاب و عفاف به هیچ عنوان توانایی مهار بیحجابی سراسری را ندارد، چرا که خیابان از آن ما مردم است. شعارهای نه روسری نه توسی آزادی و برابری، زن زندگی آزادی، از جمله بیشترین شعارها در شبکه های اجتماعی را به خود اختصاص داد.

شمار متعددی از این تصاویر بدون حجاب عامدانه مقابل بیلبردهای تبلیغی حجاب و عفاف، مقابل مساجد، مقابل عکسهای نصب شده خمینی و خامنه ای، و مقابل دیوارنویسی های "زن زندگی آزادی" گرفته شد. در برخی از ابتکارات زنان با شورت و رکابی ورزشی اقدام به دویدن در پارک و فضای باز کردند و اینگونه با فراخوان شبیه همراه شدند. در بین تصاویر منتشر شده نسل به نسل زنانی دیده می شدند که همگی قدرت انقلاب زنانه را به تصویر می کشیدند؛ از جمله ویدئویی از زن ۶۰ ساله ای با پیاده روی بدون حجاب منتشر شد که دخترش ضمن گرفتن تصویر می گوید: "مادر ۶۰ ساله ام برای همراهی با فراخوان امروز شب ۲۶ فروردین، حجاب از سرش برداشته".

در یکی از مهمترین مجتمع های پزشکی ساری شهریار ۳ بوده که بیماران با سختی و انتظار زیاد موفق به گرفتن نوبت میشوند، مطب چند تن از پزشکان را بخاطر تن ندادن به حجاب پلمپ شد. در واکنش به این اقدام چند پزشک دیگر اعلام کردند از شب ۲۶ فروردین در حمایت از همکارانشان اعتصاب کرده و مطب

بی حجابی ها مقدمه جنگی عظیم تر است -

اصغر کریمی

(مندرج در ژورنال شماره ۳۹۶)

بی حجابان بسیاری از شهرها را تسخیر کرده اند. مساله در سطح چند هزار و چند ده هزار بی حجاب نیست. میلیون ها زن در تهران، شمال، کردستان، اصفهان، آذربایجان و بندرعباس و فارس و سایر نقاط کشور حجابی ندارند. پارکها و خیابانها، مراکز تفریحی، اتوبوسها و متروها، محلات مسکونی و مراسمها صحنه حضور زنان بیحجاب شده است و دانش آموزانی که در مدرسه ناچار به پوشیدن مقنعه میشوند پا را که از مدرسه بیرون میگذارند مقنعهها را بر میدارند. اوضاع به کدام سمت میرود؟

در مقابل، تذکر اسیدی حکومت جای خود را به فرمان جدید خامنه ای یعنی تذکر لسانی داده است. زنان حکومتی امر به معروف با لبخند و گل به سراغ بی حجابان میروند تا با تذکر لسانی آنها را تشویق به رعایت حجاب کنند. مقامات میگویند راه مقابله با بی حجابی بگیر و ببند و زندان نیست. تذکر و جریمه و محرومیت های اجتماعی است.

گزارشات از برخی شهرها میگوید که ماموران از تذکر لسانی به زنان هم میترسند مخصوصا اگر تنها باشند. ماشین های گشت ارشاد جایی دیده نمیشود. در ورودی متروها ماموران از زنان بی حجاب خواهش میکنند روسری بگذارند که فقط چند متر و چند ثانیه دوام میآورد.

صدا و سیما تصاویر زنان بی حجاب را نشان میدهد و از اوضاع ناله میکند. نیمی از آیت اللهها از بی حجابی مینالند و نیمی دیگر به برخورد حکومت با بی حجابان انتقاد میکنند. وحشت از زمین لرزه ای که بدنال قتل مهسا اتفاق افتاد حکومت را محتاط کرده است.

این اوضاع مقدمه کشمشی بسیار عظیم تر است. حکومت اسلامی بدون حجاب معنی خود را از دست میدهد و نمیتواند این وضع را تحمل کند. حجاب رکن مهم سیاسی و ایدئولوژیک حکومت است و بی حجابی سیلی سیاسی محکمی به بنیادهای حکومت است. حکومتیان میدانند که اگر کاری نکنند تا چند ماه دیگر زنان محجبه در اقلیت ناچیزی خواهند بود و خاکریزهای دیگر نیز فتح خواهد شد. زنان و مردم انقلابی نیز میدانند که این وضع پایدار نیست و اگر جلوتر نروند، دستاورد کنونی شان پس گرفته میشود. ماههای گذشته توازن قوا را به نفع زنان تغییر داده است. زنان جسورتر شده اند، موفقیت های خود و شکست حکومت را دیده اند و حکومتیان از خامنه ای تا آیت اللهها، از نیروهای انتظامی و سپاه تا مزدوران امر به معروف شکست ۴۴ ساله خود را با گوشت و پوست لمس کرده اند. ماههای آینده شاهد تندتر شدن تعرض زنان به حکومت، در شرایطی بسیار مساعدتر که به لطف انقلاب زن زندگی آزادی ایجاد شده است و بر متن بحران های عمیق حکومت و خشم رو به گسترش مردم از اوضاع خواهیم بود. این ادامه انقلابی است که سر باز ایستادن ندارد.



گزارش انقلاب زنانه ...

از صفحه ۱۲

خود را تعطیل خواهند کرد تا مطب همکاران خود رفع پلمپ شوند. این اقدام پزشکان و اعتصاب آنها در برابر طرح های حجاب و عفاف میتواند در بسیاری از مشاغل تکثیر شود و حکومت را با اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر شهروندان مواجه کند که قطعاً عرصه را برای اجرایی کردن این طرح ها سخت میکند.

در فیروزآباد جوانان شیشه یک پرآید را که روی آن نوشته شود بود "حجاب برابر است با آبرو و شرف" را خرد کرده بودند که تصویرش در شبکه های اجتماعی منتشر شد.

روز شنبه ۲۶ فروردین در واکنش به فراخوان، یک آخوند استاد معارف اسلامی دانشگاه جندی شاپور در کلاس اعلام کرد که "داشتن حجاب و عفت عمومی، مهمتر از داشتن نان خوردن است" که با واکنش اعتراضی دانشجویان مواجه شد. از طرفی جمعی از دانشجویان این دانشگاه در یک بیانیه اعتراضی به تداوم انقلاب زن زندگی آزادی تاکید کرده و نسخه تصویری بیانیه را که همخوانی کرده بودند منتشر کردند.

شماری از خانواده های دادخواه کشته شدگان انقلاب زن زندگی آزادی هم در همراهی با این فراخوان دست به انتشار عکسهای بدون حجاب خود زدند. در همین راستا آتش شاکرمی خاله دادخواه نیکا شاکرمی کشته شده در تهران، تصویری بدون حجاب که در خیابان گرفته شده را در حساب اینستاگرام خود گذاشت و نوشت "تردد در سطح شهر، با پیراهنی که بخاطر نیکا دوختم اش. و این پیراهن زرد نیز داستانی دارد...". آیدا شاکرمی خواهر نیکا هم تصویر بدون حجاب خود را، در اینستاگرام استوری کرد. مادر دادخواه عرفان رضایی از کشته شدگان آمل نیز با عکس از خود و فرزند از دست رفته اش در اکاتهای خود نوشت: "دو شب قبل از کشته شدن عرفان باهم رفتیم پیاده روی، گفت مامان روسری نزار. برای عرفان روسری از سر بر میدارم." از دیگر همراهی ها با این فراخوان، استوری اینستاگرام مرضیه ابراهیمی از قربانیان اسیدپاشی های زنجره ای اصفهان به صورت زنان بیحجاب بود که خطاب به رادان نوشت: "ای کاش سال ۹۳ هم دوربین هاتون خطا نداشت. ای کاش دوربینی وجود داشت. ای کاش دوربین هاتون رو سمت مردم نمی گرفتید. دوربین های شما موهای ما رو ضبط می کنه. اما کسی که اسید می پاشه رو نه."

همچنین ۹۰ نفر از فعالان و اعضا خانواده های دادخواه در راستای همراهی با فراخوان اعتراض به حجاب اجباری برای شنبه ۲۶ فروردین، بیانیه ای صادر کرده و در آن تاکید کردند برای حفظ و پاسداری از آزادی در انتخاب پوشش و شادی عمومی که اولین دستاورد انقلاب زن زندگی آزادی است، عهد و پیمان میکنند. همچنین در این بیانیه آمده که "دفاع مشروع، حق مردم است" و از صبح شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۲ در حمایت از حق آزادی پوشش در کنار زنان خواهند بود، و پاسخ توهین به زنان دفاع مشروع است، و عواقب آن به عهده رژیم میباشد. منیره عربشاهی و پوران ناظمی و لیلا میرغفاری از امضا کنندگان منشور مطالبات پیشرو زنان ایران نیز، از جمله این امضا کنندگان بودند. انقلاب زنانه ضمن درود به این فعالین اعلام میکند که این بیانیه بر اساس یک واقعیت موجود در جامعه در برخورد با عوامل حکومت منتشر میشود و از درجه اهمیت بالایی برخوردار است؛ واقعیتی در پارکها و مترو اتوبوس بی آر تی تهران، در لبنیاتی هاجر پور در مشهد، در پارک بندر انزلی در سیزده بدر که مردم عوامل حکومتی که سر حجاب به خشونت علیه زنان می پردازند را از امکان عمومی بیرون می اندازند که در چشم انداز آن بیرون انداختن کلیت جمهوری اسلامی از جامعه ایران است.

همزمان با این فراخوان، ۱۵ وکیل و حقوقدان ایرانی با انتشار بیانیه ای به مجریان طرح "کنترل هوشمند" حجاب اجباری هشدار داده اند. این بیانیه همچنین از سازمان

ملل خواسته تا مجریان این طرح را تحریم کند. در این هشدار آمده که خودرو حریم خصوصی افراد است و کسی حق ندارد وارد حریم خصوصی افراد شود. همزمان شماری از کارشناسان حقوق بشری سازمان ملل متحد با انتشار بیانیه ای، اعمال سرکوبگرانه حجاب اجباری را مصداق آزار جنسیتی خواندند. این در راستای شنیده شدن صدای زنان ایران و جنبش نوین رهایی زن علیه بی حقوقی های سازمان یافته و حکومتی از درجه اهمیت بالایی برخوردار است.

روز شنبه ۲۶ فروردین، در شاهین شهر اصفهان هم در برابر ساختمان اداره آموزش و پرورش تجمع اعتراضی توسط خانواده های دانش آموزان، دانش آموزان و عموم مردم علیه حمله شیمیایی جمهوری اسلامی به مدارس برگزار شد که در آن زنان نقش فعالانه ای داشتند. جمعیت زنان بدون حجاب و هدایت شعارها توسط زنان بسیار چشمگیر بود؛ زنان با شعارهای هیز تویی هرزه تویی زن آزاده منم و مرگ بر حکومت بچه گش، حکومت بچه گش نمیخوایم نمیخوایم، مرگ بر دیکتاتور، بخش قابل توجهی از این تجمع اعتراضی را هدایت میکردند.

شامگاه شنبه ۲۶ فروردین شعاردهی های شبانه با محور اعتراض به حجاب و عفاف و تهدیدها در برابر بیحجابی صورت گرفت. در تهرانسر زنان و جوانان انقلابی در شعاردهی شبانه شعار دادند "رادان برو گمشو!". در شهرک باقری تهران، فردی که از شعاردهی شبانه فیلم میگرفت همزمان گفت: "این صدای زنان این جامعه است؛ تا جمهوری اسلامی را سرنگون نکنند از پا نمی نشینند"

انقلاب زنانه بر این باور است که جامعه ایران در انقلاب زن زندگی آزادی با تشکل یابی هر چه بیشتر و سازماندهی هر چه بهتر، در موقعیتی قرار گرفته که بیش از پیش توان فراخوان دادن و آلترناتیو ارائه دادن در برابر حکومت اسلامی را کسب کرده؛ موفقیت فراخوان شنبه ۲۶ فروردین در برابر تهدید احمدرضا رادان از جمله اثبات این توانمندی در رهبری سیاسی و سازماندهی اجتماعی، و اثبات قدرت مردم ایران و در راس آن زنان و دانشجویان است که افق و چشم انداز روشنی در تقویت خیابان و پیشروی انقلاب زنانه جاری در ایران به تصویر می کشند.

انقلاب زنانه ضمن درود به تشکل ها و جمع و گروههای دانشجویی و تک تک زنان و افراد و فعالین که در این فراخوان مهم نقش داشته و تاثیرگذار بودند، اعلام میدارد که با توجه به فضای اعتراضی موجود جامعه علیه حجاب اجباری و اقدامات عملی صورت گرفته تا به اینجا، و نیز با توجه به موفقیت شنبه ۲۶ فروردین، این فراخوان سرآغاز فراخوانهای سریالی در مسیر تجمعات و تظاهرات سراسری علیه حجاب و عفاف و کلیت جمهوری اسلامی است. با نزدیک شدن به فصل گرما قطعاً بیحجابی سراسری که به یمن انقلاب زن زندگی آزادی و با همت و مبارزه نفس گیر ۴ دهه مردم ایران علیه قوانین اسلامی، نشان میدهد خاکریز و سنگر حجاب از دست جمهوری خارج شده، می رود که ابعاد تازه تر و گسترده تری به خود بگیرد تا تکلیف جمهوری اسلامی را در "خیابان" بیش از پیش یکسره کند. تابستان ۱۴۰۲ برای جمهوری اسلامی قطعاً یک تابستان سخت خواهد بود.



سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ داشتند. وظیفه مجموعه تشکیلات صنفی معلمان این است که از طریق متشکل کردن، آگاه‌سازی و حرکات میدانی، زمینه را برای فشار بر دولت‌های مختلف فراهم کند تا حداقل بخشی از مشکلات معیشتی معلمان بهبود پیدا کند.»

او با اشاره به هم‌سرنوشتی معلمان و کارگران در پیگیری احقاق حقوق خود می‌گوید: «بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی در ایران به بخش خصوصی واگذار شده و کارگران نیز تحت‌تأثیر آن، در شرایط سخت نبود امنیت‌شغلی قرار گرفته‌اند. یکی از دلایلی هم که باعث شده معلمان به‌صورت متشکل‌تری حرکت‌های میدانی صنفی خود را ادامه دهند، این است که همچنان بخش عمده‌ای از معلمان در چارچوب ساختارهای دولتی شاغل هستند و از امنیت شغلی نسبی برخوردار شده‌اند. اگرچه در دولت‌های مختلف تلاش شد تا از طریق برون‌سپاری و به نوعی پولی‌سازی آموزش، بخشی از آموزش را به بخش خصوصی واگذار کنند اما همچنان تعداد بسیاری از معلمان و فرهنگیان در ساختار کلی دولت شاغل هستند. همین مسئله باعث شده افزایش دستمزد برای کارگران و معلمان در کانال‌های متفاوتی رقم بخورد. «حبیبی در ادامه می‌گوید: «اما در عین حال میان حداقل مزدی که برای کارگران تعیین می‌شود و دستمزدی که معلمان دریافت می‌کنند، خیلی تفاوت عمده‌ای وجود ندارد. تنها تفاوت در این است که امنیت‌شغلی معلمان نسبت به کارگران با توجه به اینکه در ساختار دولتی فعالیت می‌کنند، بیشتر است.»

با این همه امنیت‌شغلی برای معلمانی که در بخش‌های خصوصی فعالیت می‌کنند، وجود ندارد و قراردادهای‌شان مثل کارگران بخش خصوصی، موقتی و سالانه است. «مصاحبه روزنامه هم‌میهن با محمد حبیبی در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۴۰۲ یک روز پیش از بازداشت او (برگرفته از مدیای اجتماعی)

محمد حبیبی در ۱۶ فروردین بازداشت و بنا بر آخرین تماس با همسرش خدیجه پاک ضمیر، حبیبی همچنان در انفرادی بند ۲۰۹ بسر میبرد. او در نوزدهم بهمن ۱۴۰۱ زیر فشار انقلاب در کنار دیگر آزادشدگان انقلاب اخیر و زندانیان سیاسی آزاد شد.

پیام سه عضو هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان گیلان از زندان در خصوص مسمومیت‌های سریالی دانش‌آموزان

به مسمومیت‌های فرزندان ایران پایان دهید

معلمان فرهیخته، دانش‌آموزان گرامی و مردم شریف ایران معلمان ایران که سال‌هاست خواسته‌های صنفی خود را در راستای بهبود کیفیت آموزشی، آموزش رایگان و حق داشتن تشکلهای مستقل، فریاد زده و در این راستا هزینه‌هایی چون تبعید، اخراج و زندان را با آغوش باز برای داشتن آموزش و پرورش مطلوب، به جان خریده‌اند، اما هرگز گمان نمی‌بردند روزی فرارسد که مدرسه آنچنان فضای ناامنی برای فرزندان ایران شود که ما معلمان خواسته صنفی‌مان، پایان دادن به مسمومیت‌های دختران و نوباوه‌گان سرزمین‌مان باشد.

ما نیز هم‌صدا با همه حقیقت‌طلبان از پشت میله‌های زندان، مصرانه و به جد خواهان فراهم کردن محیط امن برای فرزندان ایران هستیم.

بی‌تردید وظیفه ذاتی معلمان است که نسبت به این فضاهای ناامن به وجود آمده برای دانش‌آموزان به ویژه دختران ایران، به جد معترض باشند. به مسمومیت دختران دانش‌آموز پایان دهید و آرامش و محیط امن را برای تحصیل آنان فراهم آورید.

انوش عادل، محمود صدیقی پور، عزیز قاسم‌زاده-زندان لاکان رشت - بند میثاق

۲۵ فروردین ۱۴۰۲ (از مدیای اجتماعی)

معلم و کارگر هم‌پای یکدیگر

مصاحبه روزنامه هم‌میهن با محمد حبیبی

بخش اول: در چند سال اخیر معلمان همدوش با کارگران و بازنشستگان در اعتراض به وضعیت سخت معیشتی خود، اعتراضات صنفی گسترده و سراسری داشته‌اند و یکی از مطالبات اساسی آنها، اجرای طرح رتبه‌بندی و افزایش حقوق بوده است.

سخنگوی کانون صنفی معلمان در این باره گفت: «خلاف تبلیغات فراوانی که در طول دو، سه سال اخیر از طرف دولت در مورد اجرای طرح رتبه‌بندی برای معلمان شده، چه در دولت روحانی و چه در دولت ریسی، این طرح همچنان به‌صورت کامل اجرا نشده است. اتفاقاً یکی از بزرگترین معضلاتی که در حال حاضر ایجاد شده و محل منازعه و اختلاف معلمان با وزارت آموزش و پرورش از یک طرف و خود سازمان برنامه و بودجه از طرف دیگر هست، همین بحث اجرای رتبه‌بندی است. دولت با وجود وعده‌هایی که داده بود، عملاً بودجه لازم را در اختیار وزارت آموزش و پرورش نگذاشته و در نتیجه آنچه اکنون اجرا شده، یک اجرای بسیار ناقص از طرح رتبه‌بندی بوده است. حتی همان طرح دولتی رتبه‌بندی که نواقص زیادی داشت به‌صورت کامل اجرایی نشده است.»

حبیبی در ادامه می‌گوید: «به‌خاطر اختلاف بین آموزش و پرورش و سازمان برنامه و بودجه حتی حقوق معلمان و دستمزدشان هم با یک تاخیر بسیار زیاد در ۲۹ اسفندماه پرداخت شد. اما حتی اگر فرض را بر این بگذاریم که این طرح هم به‌صورت کامل اجرا شود، با توجه به سقف حقوق معلمان که الان به‌صورت میانگین نهایتاً بین ۷ تا ۹ میلیون تومان است و میزان خط فقر که براساس آمار، بالای ۲۰ میلیون تومان است، شاهد یک فاصله بسیار زیاد هستیم. حتی اگر طرح رتبه‌بندی هم به‌صورت کامل اجرا شود، به‌هیچ‌عنوان نمی‌تواند پاسخگوی وضعیت معیشتی معلمان در شرایط فعلی باشد.»

این فعال صنفی معلمان می‌گوید: «فاصله بین دستمزد و خط فقر در طول سالیان گذشته مدام در حال افزایش بوده و امروز به شدیدترین حد خود رسیده است. همانطور که گفته شد، میانگین دریافتی معلمانی که در ساختار استخدامی دولت هستند و به‌صورت رسمی فعالیت می‌کنند، نهایتاً بین ۷ تا ۹ میلیون تومان است. در شرایط کنونی یک معلم که از تمام معیارهای شغلی از جمله حق‌مدیریت یا مدرک کارشناس ارشد و دکتری برخوردار است، نهایت دستمزدی که دریافت می‌کند بین ۱۳ تا ۱۵ میلیون تومان است. از طرف دیگر معلمانی هم داریم که تازه وارد فعالیت شدند و نهایتاً بین ۵ تا ۶ میلیون تومان دریافت می‌کنند. در نتیجه میانگین دریافتی معلمان بین ۷ تا ۹ میلیون تومان است که نشان‌دهنده فاصله زیاد حقوق معلمان با خط فقر است. این شکاف میان دستمزد و خط فقر به‌شدت بر مسئله کیفیت آموزشی تأثیر گذاشته است.»

به گفته او: «اکثریت معلمان به‌ویژه معلمانی که به‌صورت فردی سرپرست خانواده هستند، حتماً شغل دوم و حتی سوم هم دارند. طبیعی است معلمی که برای امرار معاش خود نیازمند شغل دوم می‌شود، نمی‌تواند آموزش را با آن کیفیت لازم در مدرسه ارائه کند چراکه فرآیند آموزش یک فرآیند دائمی برای آموزشگر است که باید خود را حداقل به‌صورت سالانه به‌روز کند. گاهی این فاصله‌گرفتن از فرآیند اصلی کار باعث می‌شود معلم حتی نسبت به آموزشی که مختص اوست از دانش‌آموزان خود عقب بیفتد. به‌طورمثال، در زمینه آشنایی با تکنولوژی‌ها و فرآیندهای مجازی گاهی معلمان نسبت به دانش‌آموزان خود در سطح پایین‌تری هستند.»

وی گفت: «طبق گفته خود مسئولان، اعم از رئیس مجلس و سخنگوی دولت، همین اجرای نیم‌بند طرح رتبه‌بندی هم نتیجه اعتراضاتی بوده که معلمان طی